

از کلیدهای فقه معاصر موضوعی که امام راحل مطرح کرده اند؛ نقش زمان و مکان در اجتهاد، مقام معظم رهبری در درباره آن فرمودند یفتح منه الف باب.

قدما به صراحت به نقش زمان و مکان در اجتهاد را مطرح نکرده اند اما اینکه احکام با تغییر موضوعات متغیر می شود در کلمات فقها یافت می شود این مطلب بیشتر در کلمات محقق اردبیلی، شیخ محمد حسین کاشف الغطاء و در کلمات صاحب جواهر این موضوع فراوان دیده می شود مانند وجوب داشتن حداد در ایام عده وفات یعنی آرایش نکند اما آرایش چیست؟ آرایش در هر زمانی به حسب خودش است. صاحب جواهر می فرماید: و هو مختلف باختلاف الازمنة و الامکنه و الاحوال و لا ضابطة للزينة و التزين، و ما یتزین به الا العرف و العادة التي یتدرج فیہ الهیئات و غیرها. (جواهر الکلام ج ۳۲ ص ۲۸۰). کلام صاحب جواهر متین است، چه بسا یک چیزی در یک زمانی آرایش بوده است الآن ضد آرایش است لذا ملاک در زمان حاضر به آن آرایش گفته شود بنابراین موضوع اگر تغییر کند حکم آن نیز تغییر خواهد کرد.

اصولی یا فقهی بودن نقش زمان و مکان در اجتهاد

از آنجا که این بحث مقدمه فقه است یک کلی را بیان می کند از این کلی و مبنی، احکام زیادی استنباط می شود. این مساله فرقی با مساله نهی در عبادت موجب فساد است یا موجب فساد نیست یا اجتماع امر و نهی ندارد؛ نتیجه آن در مسیر استنباط قرار می گیرد بنابراین ملاک مساله اصولی بودن را دارد. ولی مساله نقش زمان و مکان در اجتهاد در جایی مطرح بشود یکی از آن جا ها بحث از کلیدها و روش های حل مساله در فقه معاصر به خصوص مطرح می شود.

تغییر به حسب زمان ها در احکام الهی

آیا در احکام الهی تغییر به حسب زمان ها راه دارد یا راه ندارد؟ در روایت تصریح شده « حلال محمد حلال الی یوم القیامه و حرامه حرام الی یوم القیامه »

الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۱، ص: ۵۸

عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ فَقَالَ حَلَالٌ مُحَمَّدٌ حَلَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا يَكُونُ غَيْرُهُ وَلَا يَجِيءُ غَيْرُهُ وَ قَالَ قَالَ عَلَى ع مَا أَحَدٌ ابْتَدَعَ بِدْعَةً إِلَّا تَرَكَ بِهَا سُنَّةً.

سند روایت صحیح است. و لایحی غیره یعنی حکم حرمت تبدیل به حلیت نمی شود. در جلد ۲ ص ۱۷ باب الشرایع حدیث ۲ از کتاب کافی نقل شده است که در این سند حدیث موثق است. در سند این موثقه سماعه قرار دارد در زمان و حیات امام کاظم علیه السلام واقفی بوده است در واقفی بودن او بحث است که واقفی مصطلح است یا واقفی زمان امام کاظم علیه السلام بوده است ولی عثمان بن عیسی از سران واقفیه بود توبه کرد و برخی از امام رضا علیه السلام را به امام بر گرداند و در عین حال از امام رضا کنار گرفته بود تا آخر عمر مشغول عبادت بود. (مقرر: متن روایت را نقل می کنیم)

الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۲، ص: ۱۷

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - ﴿فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ﴾ فَقَالَ نُوحٌ وَ إِبْرَاهِيمُ وَ مُوسَى وَ عِيسَى وَ مُحَمَّدٌ ص قُلْتُ كَيْفَ صَارُوا أُولِي الْعَزْمِ قَالَ لَأَنَّ نُوحًا بَعَثَ بَكْتَابٍ وَ شَرِيعَةً وَ كُلُّ مَنْ جَاءَ بَعْدَ نُوحٍ أَخَذَ بِكِتَابِ نُوحٍ وَ شَرِيعَتِهِ وَ مِنْهَاجِهِ حَتَّى جَاءَ إِبْرَاهِيمُ ع بِالصُّحُفِ وَ بَعَزِيمَةٍ تَرَكَ كِتَابَ نُوحٍ لَا كُفْرًا بِهِ فَكُلُّ نَبِيٍّ جَاءَ بَعْدَ إِبْرَاهِيمَ ع أَخَذَ بِشَرِيعَةِ إِبْرَاهِيمَ وَ مِنْهَاجِهِ وَ بِالصُّحُفِ حَتَّى جَاءَ مُوسَى بِالتَّوْرَةِ وَ شَرِيعَتِهِ وَ مِنْهَاجِهِ وَ بَعَزِيمَةٍ تَرَكَ الصُّحُفِ وَ كُلُّ نَبِيٍّ جَاءَ بَعْدَ مُوسَى ع أَخَذَ بِالتَّوْرَةِ وَ شَرِيعَتِهِ وَ مِنْهَاجِهِ حَتَّى جَاءَ الْمَسِيحُ ع بِالْإِنْجِيلِ وَ بَعَزِيمَةٍ تَرَكَ شَرِيعَةَ مُوسَى وَ مِنْهَاجِهِ فَكُلُّ نَبِيٍّ جَاءَ بَعْدَ الْمَسِيحِ أَخَذَ بِشَرِيعَتِهِ وَ مِنْهَاجِهِ حَتَّى جَاءَ مُحَمَّدٌ ص فَجَاءَ بِالْقُرْآنِ وَ بِشَرِيعَتِهِ وَ مِنْهَاجِهِ فَحَلَّاهُ حَلَالًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامَهُ حَرَامًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَهَؤُلَاءِ ﴿أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ﴾ ع.

بنابراین تردیدی نیست نقش زمان و مکان تاثیری در حکم ندارد بلکه تاثیر آن در موضوعات است. و از موضوعاتی که در زمان امام راحل سر و صدای زیاد داشت مساله شطرنج بود. این مساله یک موضوع و یک حکم دارد. موضوع شطرنج اگر ابزار قمار باشد، در زمان پیامبر و معصومین چنین بوده است لذا بازی با شطرنج حرام و دیگر حرمت ها برای آن گفته شده؛ اما اگر در روزگاری شطرنج ابزار بازی فکری بشود مثلاً ورزش کشور شطرنج را بازی فکری قلمداد کرده است. قابل توجه هم باشد امام راحل فرموده اند که شطرنج ابزار قمار یا بازی فکری است بلکه امام راحل مساله را با اگر فرموده اند در نتیجه در بازی فکری و قمار بودن آن شک شود حکم قمار استصحاب می شود برخلاف موسیقی اگر شک در حلال یا حرام بودن موسیقی، اباحه استصحاب می شود که خروجی آن براءت می شود البته با استصحاب براءت متفاوت است گرچه خروجی آن دو یکی است. اینکه اباحه استصحاب می شود و براءت استصحاب نمی شود چون اصل در خصوص صوت های حسن حرام نیستند، یکی از از

صوت های حسن موسیقی است. اما موسیقی و غنا چیست؟ باید موسیقی و غنا حرام احراز شود، آری یکی از معانی که برای « و اجتنبوا قول الزور » گفته شده غنا است اما مصداق غنا چیست؟ نیاز به احراز دارد. در این اینکه بالجمله غنا حرام است شکی نیست اما چه چیزی غنا است و چه چیزی غنا نیست در صورت شک حالت سابقه اباحه است، اصل، الحان حرام نیست و الحانی که مصداق غنا باشد حرام است. یکی از مراجع تقلید مطلق گرداندن صدا در حلق را موسیقی می دانست. پس در صورت شک حالت سابقه حرمت نیست.

بنابراین تا زمانی که موضوع تغییر نکرده باشد نمی توان حکم را تغییر دارد قطعا نظر امام راحل چنین است. بدون دلیل احکام الهی را کنار بگذاریم صحیح مثلا بخاطر جنجال مجامع غربی و رسانه های علیه احکام الهی رجم نکنند و آن را تعطیل کنند در حالی که چه کسی گفته رجم باید علنی باشد بلکه می توان در محوطه دادگاه می توان رجم را اجرا کرد. نعم اگر ضررهای اجرای حکم رجم بیشتر از منافع آن برای اسلام باشد یعنی با اجرای حد رجم کل اسلام زیر سؤال می رود در این صورت اضطرار می شود.

امام راحل نقش زمان و مکان را در موضوعات می داند و در احکام جاری نمی دانند. اگر حکم ثر زمان پیامبر بود موضوع آن هیچ تغییری نکرده بدون دلیل و فقط بخاطر گذر زمان و به عبارت دیگر تغییر زمان بگوئیم حکم عوض شده است چنین مطلبی را امام راحل قطعا نمی فرمایند بلکه امام راحل می فرمایند اگر موضوع متفاوت شود حکم نیز متفاوت می شود.

بدین معنی که با شناخت دقیق روابط اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده واقعا موضوع جدیدی شده- امام راحل تاکید بر موضوع می کنند- که قهرا حکم جدید را می طلبند. بنابراین نقش زمان و مکان با توجه به روایات گفته شده در احکام نیست. احکام الهی حلال آن تا ابد حلال و حرام آن تا ابد حرام است. آنچه امام راحل و دیگر بزرگان بر آن تاکید داشته اند تغییر موضوعات است و تغییر احکام نیست

صحیفه امام ج ۲۱ ص ۹۸

امام راحل:

بدین معنی که با شناخت دقیق روابط اقتصادی اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده واقعا موضوع جدیدی شده است که قهرا حکم جدیدی را می طلبد.

تصریح معصومین به تغییر حکم با تغییر موضوع

امامان معصوم سلام الله علیهم اجمعین تصریح کرده اند با تغییر موضوع حکم عوض می شود. از پیامبر نقل شده است فرار از طاعون و وبا مانند فرار از زحف و جنگ است. معصومین کلام پیامبر را چنین تفسیر فرموده اند در جایی بود که مسلمانان باید می ایستادند یعنی نگهبانی می دادند یعنی بخاطر طاعون یا وبا یا کرونا سنگ را رها کنند مانند فرار از زحف و جنگ است. معنای روایت این است یک موضوع در یک زمان حکم دارد و همان موضوع با تغییر شرایط حکم دیگری دارد. اگر دیده بانی نباشد، و آمد و رفت ها بسیار زیاد است طاعونی ها و وباهی ها بدون رعایت دستورات بهداشتی می آیند و مردم را مبتلا می کنند حرام نیست یعنی شرایط دیده بانی نباشد.

عنوان باب در وسایل:

وسائل الشیعة؛ ج ۲، ص: ۴۲۹

بَابُ جَوَازِ الْفِرَارِ مِنْ مَكَانِ الْوَبَاءِ وَالطَّاعُونِ إِلَّا مَعَ وَجُوبِ الْإِقَامَةِ فِيهِ كَالْمُجَاهِدِ وَالْمُرَابِطِ

وسائل الشیعة؛ ج ۲، ص: ۴۲۹

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْوَبَاءِ يَكُونُ فِي نَاحِيَةِ الْمِصْرِ - فَيَتَحَوَّلُ الرَّجُلُ إِلَى نَاحِيَةٍ أُخْرَى أَوْ يَكُونُ فِي مِصْرٍ فَيَخْرُجُ مِنْهُ إِلَى غَيْرِهِ فَقَالَ لَا بَأْسَ إِنَّمَا نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ص عَنْ ذَلِكَ لِمَكَانٍ رِيَّةٍ كَانَتْ بِحِيَالِ الْعَدُوِّ فَوَقَعَ فِيهِمُ الْوَبَاءُ فَهَرَبُوا مِنْهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْفَارُّ مِنْهُ كَالْفَارِّ مِنَ الزَّخْفِ كَرَاهِيَّةٍ أَنْ تَخْلُوَ مَرَائِزُهُمْ.

سند روایت روشن است. ناحیه المصر یعنی گوشه شهر را وبا گرفته است شخصی که در آن محل و مکان وبا گرفته بیرون می رود یا در شهری باشد و از آن شهر خارج می شود امام صادق علیه السلام می فرماید اینکه پیامبر از آن نهی کرده اند بخاطر اینکه مسلمان ها در حال نگهبانی در مقابل دشمن بودند که وبا در بین آنها افتاد از وبا فرار کردند در این صورت پیامبر کسی که از وبا فرار کند مثل آنکه از جهاد فرار کرد. نگران بودند مراکز نگهبانی و دیده بانی خالی شوند. در این روایت به خوبی نقش زمان و مکان را تبیین می کنند. یعنی در زمان وضعیت حضور در مراکز نگهبانی لازم بود باید مراکز را ترک نکنند و اگر بخاطر وبا از دنیا می رفتند شهید از دنیا رفته اند اما اگر در

جایی چنین چیزی نبودن فرار از زحف حرام نیست. درباره عدوا- بیماری مسری- در امالی سید مرتضی می فرماید کسی از آن خارج و به آن داخل نشود، برای اینکه جلوی سرایت و زنجیره ارتباط گرفته شود.

وسائل الشیعة؛ ج ۲، ص: ۴۳۰

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي الْعِلَلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى الْمُتَوَكِّلِ عَنِ السَّعْدِآبَادِيِّ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع الْقَوْمُ يَكُونُونَ فِي الْبَلَدِ فَيَقَعُ فِيهَا الْمَوْتُ أَلَهُمْ أَنْ يَتَحَوَّلُوا عَنْهَا إِلَى غَيْرِهَا قَالَ نَعَمْ قُلْتُ بَلَّغْنَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص عَابَ قَوْمًا بِذَلِكَ فَقَالَ أُولَئِكَ كَانُوا رِيَّةً بِإِزَاءِ الْعَدُوِّ فَأَمَرَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْ يَنْتَبُتُوا فِي مَوَاضِعِهِمْ وَ لَا يَتَحَوَّلُوا مِنْهُ إِلَى غَيْرِهِ فَلَمَّا وَقَعَ فِيهِمُ الْمَوْتُ تَحَوَّلُوا مِنْ ذَلِكَ الْمَكَانِ إِلَى غَيْرِهِ فَكَانَ تَحْوِيلُهُمْ مِنْ ذَلِكَ الْمَكَانِ إِلَى غَيْرِهِ كَالْفِرَارِ مِنَ الزَّحْفِ.

سند روایت

محمد بن موسی موکل در رجال مورد تایید نیست. ایشان در سند صحیفه است، متن بلند آن گویای این از که از غیر از امام سجاد علیه السلام دعای بلند صادر نمی شود. سعد آبادی و برقی ثقه اند. قاسم بن حمید حناط است. علی بن ابی المغیره و از اصحاب اجماع است.

دلالت روایت مانند روایت سابق است. روایت سوم باب نیز به همین مضمون است.